

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از لاهوتی
فرستنده : جاوید
۲۲ نومبر ۲۰۱۷

[سوختم بی تو]

خبر داری که از غم آتشی افروختم بی تو
به هر شهری هزاران ماهرو دیدم ولی ز آنها
بتان سازند حیلت ها که گردند آشنا با من
پر است از اشک و از لخت جگر پیوسته دامنم
خریداران فراوانند و پسر سرمایه ، اما من
مرا کشتند و از مهر تو رو گردان نگریدم
به لاهوتی سخن از مهربانی های تو گفتم
در آن آتش سر اندر پای خود را سوختم بی تو
به آن چشمت قسم ، چشمان خود را دوختم بی تو
ولی من ، گپ میان ما بماند ، سوختم بی تو
چقدر ، ای مه ببین ، لعل و گهر اندوختم بی تو
به چیزی جز خیالت خویش را نفروختم بی تو
عزیزم ، بین چسان درس وفا آموختم بی تو
بدینسان پارگی های دلش را دوختم بی تو

استانبول (اسلامبول) ۱۹۱۹